



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ش ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۳-۷۰

## بررسی لقب‌گذاری دانش‌آموزان مشکین‌شهر از دیدگاه

### زبان‌شناسی اجتماعی

بهمن زندی<sup>۱\*</sup>، محمدرضا طوسی نصرآبادی<sup>۲</sup>

۱. استاد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۹/۲۱

دریافت: ۹۵/۵/۱۰

### چکیده

در پژوهش حاضر، القاب دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهرستان مشکین‌شهر با اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی بررسی و تحلیل شده است. القاب آن‌دسته از نام‌های غیررسمی و ثانویه‌اند که افزون‌بر نام اصلی و قانونی فرد به وی داده می‌شود. در این پژوهش، با استفاده از پرسش‌نامه، القاب شصت دختر و شصت پسر دبیرستانی گردآوری شد که، از این تعداد، در حدود ۳۴۷ لقب استخراج گردید. از این‌میان (۵۲درصد)، ۱۸۱ لقب برای پسران و ۱۶۶ لقب (۴۸درصد) ویژه دختران بود. در مرحله بعد، با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی، داده‌ها بررسی شدند و القاب از نظر زبان به‌کاررفته در تولیدشان، به چهار دسته زبان‌های ترکی، فارسی، عربی و سایر تقسیم شدند که، در این مؤلفه، گروه پسران (۶۶٫۶۹درصد) از زبان ترکی برای لقب‌دهی به‌طور گسترده استفاده کرده بودند و گروه دختران (۲۰٫۴۰درصد) زبان فارسی را به‌طرز چشمگیری به کار گرفته بودند. از منظر هویت مورد اشاره القاب، آن‌ها به انواع هویت محلی، ملی و فراملی دسته‌بندی شدند که، در این مؤلفه نیز، بیشترین القاب (۴۲٫۵۴درصد) گروه پسران مربوط به هویت محلی و بیشترین القاب (۴۶٫۳۸درصد) گروه دختران مربوط به هویت ملی بود. همچنین، دلایل لقب‌گذاری به زیردسته‌های تحقیر، تحقیر، طنز و بی‌دلیل دسته‌بندی شدند که در هر دو گروه دختر و پسر، دلیل تحقیر بیشترین کاربرد (۷۰٫۱۶درصد) گروه پسران و (۳۰٫۶۱درصد) گروه دختران را داشت. در نهایت، گفتمان و رای القاب به گفتمان‌های روزمره، رسانه‌ای، تابو و مذهبی دسته‌بندی شدند که نتایج نشان داد شمار بسیار القاب دانش‌آموزان پسر و دختر به ترتیب به گفتمان‌های روزمره و رسانه‌ای مربوط می‌شود؛ حال آنکه در دو گفتمان دیگر، در گروه پسران، گفتمان تابو و سپس مذهبی پیشتاز بود و در گروه دختران عکس این ترتیب دیده شد. در تمام مؤلفه‌های مذکور، متغیر جنسیت و مقادیر آن مؤلفه ارتباط معناداری با یکدیگر داشتند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، لقب، جنسیت، هویت، گفتمان.

## ۱. مقدمه

زبان پدیده‌ای اجتماعی است. خصلت اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی- فرهنگی پیوند می‌دهد و این همبستگی یا پیوستگی به حدی است که برخی زبان را آیینی‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی جامعه را در خود نشان می‌دهد (مدرسی، ۱۳۶۸: ۴). براین اساس، میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد (همان: ۱۴). زبان‌شناسی اجتماعی گونه‌ای خاص از مطالعات زبانی است که از بررسی انتزاعی و در خلاء زبان فاصله می‌گیرد و درباره آن به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی پژوهش می‌کند. این رویکرد، که در نیمه نخست قرن بیستم با انتقادهای جدی آنتوان میه<sup>۱</sup> از زبان‌شناسی انتزاعی دوسوسور شکل گرفت، در دهه هفتاد سده گذشته به‌طور گسترده مورد توجه واقع شد و زبان‌شناسانی چون بازیل برنستاین<sup>۲</sup>، ویلیام لباو<sup>۳</sup>، چارلز فرگوسن<sup>۴</sup>، جان گامپرز<sup>۵</sup>، پیتر ترادگیل<sup>۶</sup> و دیگران به بررسی همبستگی متغیرهای زبانی و متغیرهای اجتماعی پرداختند. مطالعات زبانی با پژوهش‌های اجتماعی، به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و دیگر موضوعات مربوط به آن پیوند می‌خورد.

اگرچه ساختارهای اجتماعی بر زبان تأثیر می‌گذارند، نشان این تأثیر بر بخش واژگان زبان بارزتر از دیگر بخش‌هاست. یکی از مظاهر تأثیر اجتماع بر زبان در انتخاب نام‌ها و القاب دیده می‌شود. نام‌ها نشانگر و معرف هویت افرادند. نام‌شناسی<sup>۷</sup> نیز به بررسی اسامی و نام‌های افراد می‌پردازد. در *لغت نامه دهخدا* ذیل مدخل «لقب» می‌خوانیم: «لقب یا پاژنام اسمی است غیر از نام اصلی که به شخص می‌نهند که حاوی مدح یا ذمی باشد». پس، القاب آن دسته از نام‌های غیررسمی و ثانویه‌اند که افزون بر نام اصلی و قانونی فرد به وی داده می‌شود (Buss, 1983; Philips, 1990; Liao, 2006: 68). در این میان، گاه افراد، افزون بر نام‌های واقعی و رسمی خود، القابی را نیز دریافت می‌کنند که عمدتاً متأثر از محیط کار و زندگی و شغل و دیگر مسائل است. معمولاً القاب و عناوین در جمع دوستان، همکاران، هم‌کلاسی‌ها و هم‌سالان بیشتر است. انتخاب لقب برای افراد اکثراً با توجه به دستکاری نام کوچک افراد، شغل، وضع جسمی، علایق و نوع رفتار و سایر موارد صورت می‌گیرد. مطالعه

سازوکارهای دخیل در انتخاب القاب برای افراد می‌تواند به تبیین دقیق‌تر تأثیر متقابل زبان و جامعه یاری رساند. چنین به نظر می‌رسد که در این عرصه (لقب‌گذاری) نیز، مانند سایر عرصه‌های ارتباط زبان و جامعه، تأثیر متفاوت متغیرهای اجتماعی از قبیل جنسیت، سن، تحصیلات به چشم بخورد. نگارندگان مقاله حاضر قصد دارند از میان متغیرهای اجتماعی مذکور، با یکسان در نظر گرفتن سن و سطح تحصیلات آزمودنی‌های خود، به بررسی تأثیر متغیر جنسیت در لقب‌گذاری بپردازند. در سال‌های اخیر، پژوهشگران بسیاری به بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان همت گمارده‌اند و در همه جوامع و در بیشتر سطوح بررسی‌شده تفاوت‌های بارزی در کاربرد زبان ازسوی دو جنس مشاهده شده است.<sup>۸</sup> در پژوهش حاضر، القاب دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مشکین‌شهر بررسی می‌شود و نگارندگان برآن‌اند تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند:

۱. بسامد کاربرد لقب در میان دانش‌آموزان دوزبانه ترک‌فارس‌زبان مدارس شهرستان مشکین‌شهر به چه میزان است؟
  ۲. تفاوت در جنسیت چه تأثیری بر کاربرد زبانی خاص در لقب‌گذاری میان دانش‌آموزان دارد؟
  ۳. القاب دانش‌آموزان بیشتر به کدام یک از انواع هویت (محلی، ملی یا فراملی) اشاره می‌کند و آیا تفاوت در جنسیت تفاوت خاصی در گرایش به یک هویت خاص ایجاد می‌کند؟
  ۴. دلایل لقب‌گذاری با توجه به جنسیت دانش‌آموزان چیست؟
  ۵. گفتمان مورد اشاره القاب دانش‌آموزان با توجه به جنسیت آن‌ها چیست؟
- در پژوهش حاضر، فرض بر این است که چون زنان و مردان تجارب و نقش‌های اجتماعی متفاوتی دارند و به صورت متفاوت از یکدیگر جامعه‌پذیری می‌کنند، پس در لقب‌گذاری، رفتارهای زبانی متفاوتی دارند.
- مقاله حاضر مشتمل بر ۶ بخش است. بخش اول، پس از مقدمه، مربوط به بررسی پیشینه پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره القاب است. بخش سوم دربردارنده معرفی و بحث درباره چارچوب نظری پژوهش است. بخش چهارم، شامل روش اتخا‌زی در این پژوهش و بخش پنجم حاوی تحلیل داده‌هاست و در نهایت، بخش آخر به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

پورعبدالله (۱۳۷۴: ۵۸)، در مقاله‌ای با عنوان «زبان عامیانه و ترجمه آن»، بخشی را به بررسی لقب اختصاص داده و از عنوان داده‌نام به‌جای لقب استفاده کرده است. او بر این باور است که القاب گاه به شخصی خاص اطلاق می‌شود (برای نمونه: حسین صافکار، لقب صدام در جنگ تحمیلی به‌سبب تخریب شهرها) و یا به افرادی از یک گروه داده می‌شود (برای نمونه: آتقی برای معتادان). او می‌گوید القاب برای اهداف گوناگونی به کار می‌روند و با ارائه نمونه‌هایی آن‌ها را در زبان فارسی شرح می‌دهد و دسته‌بندی می‌کند. از آن جمله، می‌توان به استهزاء و تمسخر، خودمانی‌بودن، اشاره به ویژگی‌های ظاهری، اشاره به ویژگی‌های روحی و شخصیتی، نکوهش و ابراز انزجار و بیان زمینه‌های شغلی اشاره کرد.

مورگان<sup>۱</sup> (10:1979) از نخستین پژوهشگرانی است که در حوزه لقب مطالعه کرده و معتقد است القاب، از چهار جنبه، تولید و درک می‌شوند که عبارت‌اند از: هنجار، کنترل اجتماعی، شأن و توهین. او منابع لقب‌گذاری را عمدتاً تحریف نام اصلی افراد و یا توصیف ویژگی‌های ظاهری فرد، رنگ پوست، توصیف توانایی یا عدم توانایی می‌داند. تشخیص عضویت در گروه، نشان همدلی و اتحاد میان‌گروهی، روابط میان‌گروهی و نشان دوستی، از جمله دلایل لقب‌گذاری است که مورگان به آن‌ها اشاره می‌کند.

بوس<sup>۲</sup> (1983)، در پژوهشی که منحصر به بررسی کاربرد القاب در دبیرستان‌های امریکایی بود، چنین ادعا کرده است که بیشتر ما برخی افراد را با القاب تحقیرآمیزی چون «زگیل»<sup>۱۱</sup> و «وراج» می‌شناسیم؛ اما باید گفت که همه القاب توهین‌آمیز نیستند و در این باره، می‌توان به لقب «سرعت»<sup>۱۲</sup> اشاره کرد که به‌سبب پاهای قوی به فرد نسبت داده می‌شود. او در این مقاله القاب را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌کند و از مثال‌های wart, Plato (به‌ترتیب) بهره می‌برد و متذکر می‌شود که مقصود وی از لقب، نامی است که به شخص، افزون‌بر نام قانونی اصلی‌اش، داده می‌شود و صورت‌های اختصاری اسامی را در بر نمی‌گیرد. بوس بیان می‌کند که هدف از تحقیق وی بررسی تأثیر و نقش القاب بر زندگی اجتماعی نوجوانان امریکایی بوده و بدین‌سبب به طبقه‌بندی انواع القاب، کاربرد و احساس نگرش نوجوانان درباره القاب نیز پرداخته است. روش وی برای گردآوری القاب روش

پرسشنامه‌بنیاد بوده و از ۱۴۹ دختر و ۱۱۴ پسر نمونه‌گیری کرده و آن‌ها را بررسی کرده است. بوس این‌گونه نتیجه گرفته که القاب به‌کاررفته در پژوهش وی مواردی از این دست‌اند: ویژگی‌های ظاهری جسمانی، توانایی بدنی، ارتباط با نام خانوادگی، لباس‌ها، شخصیت‌های تلویزیونی و کارتونی، نام کوچک پدر و شخصیت و رفتار و نیز القاب بدون دلیل. او همچنین نشان داده است که ۵ درصد پسران و ۱۵ درصد دختران لقب خود را دوست ندارند و همچنین القابی که پسران می‌پسندند، مرتبط با ویژگی‌ها و القاب توانایی بدنی ورزشی، و القاب موردپسند دختران با ویژگی‌های مثبت ظاهری جسمی (Chicken) است. او این‌طور نتیجه گرفته که الگوی لقب‌سازی در دبیرستان‌های امریکای شمالی در حال رشد است.

فیلیپس<sup>۱۳</sup> (1990: 282) معتقد است، القاب زیرمجموعه‌ای از نام‌های غیررسمی و ثابت برای اشخاص‌اند که عمدتاً نزدیکان و آشنایان آن‌ها را می‌سازند. او به تفاوت جنسیت در لقب‌گذاری می‌پردازد و بیان می‌کند از آنجاکه دختران و پسران در کودکی در جامعه به‌طرز متفاوتی رفتار و عمل می‌کنند، این تفاوت در لقب‌گذاری هم منعکس می‌شود. او می‌گوید چنین به نظر می‌رسد که مردان در مقایسه با زنان از تمسخر اجتماعی نمی‌هراسند و این خود عامل بازدارنده‌ای در لقب‌گذاری میان زنان است. لیاو<sup>۱۴</sup> (2006) بعدها نظر او را تأیید کرد.

کروزیر<sup>۱۵</sup> و دیموک<sup>۱۶</sup> (1999)، در پژوهشی که به بررسی لقب‌گذاری در یک مدرسه ابتدایی اختصاص داشت، لقب‌گذاری را نوعی آزار زبانی در مدارس پنداشته‌اند. آن‌ها لقب‌دهی را، درکل، یک رخداد اجتماعی مبهم دانسته‌اند که می‌تواند برای اهداف مثبت و منفی به کار گرفته شود. نتایجی که آن‌ها پس از نمونه‌گیری از حدود هشتاد دانش‌آموز جمع‌آوری کرده‌اند، نشان می‌دهد دختران بیش از پسران از القاب بد استفاده کرده‌اند و این نتیجه در تضاد با پژوهش کلرک و بوش (1996) است و نیز اکثر القاب برای اشاره به ظاهر کودکان بوده است. آن‌ها همچنین بیان کرده‌اند که القاب منفی تأثیری مخرب بر روحیه افراد می‌گذارد و شخصیت و هویت کودک را تهدید می‌کند.

لیاو (2006) در بررسی زبان‌شناختی القاب دانش‌آموزان دبیرستانی تایوان ۲۵۰ لقب را تحلیل کرده است. او لقب را نامی غیررسمی برای فرد دانسته که متفاوت از نام رسمی است و اصول و فرایندهای لقب‌سازی در میان دانش‌آموزان را شرح داده و از فرایندهایی چون پیشوندافزایی،

بازی با کلمات هم‌آوا، توصیف توانایی و ویژگی‌های ظاهری به‌عنوان منابع لقب‌دهی یاد کرده است. در پژوهش وی، ۴۴ درصد از القاب به‌لحاظ زبانی به نام کامل فرد مربوط است. کورانچی<sup>۱۷</sup> (132-126: 2012) تأثیر منفی روانی لقب بر دانش‌آموزان را بررسی کرده و به نقل از اندرسون (1979) بیان کرده است که القاب تأثیر بسیاری بر فرایند خودسازی فرد می‌گذارند. در پژوهش وی، ۸۸٫۵ درصد از پسران لقب دارند که نشان می‌دهد پسران در عمل لقب‌دهی در مدارس برترند.

### ۳. چارچوب نظری

زبان‌شناسان توجه بسیاری به زبان عامیانه<sup>۱۸</sup> داشته‌اند و دلیل آن، نیز، رواج گسترده این زبان میان جوانان به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان است (Burdová, 2009: 13). تعاریف متعددی برای زبان عامیانه ارائه شده است، مانند: واژگان و اصطلاحات غیررسمی و غیرمعیار که معمولاً تنها برای افراد یک گروه اجتماعی یا ناحیه‌ای خاص قابل‌درک است (Crystal, 1992: 355) و نیز واژگان و اصطلاحات غیررسمی متداول در گفتار مردمانی وابسته به یک گروه اجتماعی یا صنفی خاص (Hornby, 1992)؛ پس زبان عامیانه طبق تعریف، زبان گروه اجتماعی خاصی است و همه افراد اجتماع قادر به درک آن نیستند. از جمله شیوه‌های واژه‌سازی در زبان عامیانه لقب‌دهی<sup>۱۹</sup> و ساختن لقب برای دیگران است. مطالعه القاب از جوانب علمی مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی قابل‌بررسی است (Reid, 1991; Bechar, 1995; Morgan, 1979). القاب به‌لحاظ بار عاطفی به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم می‌شود. القاب مختص کاربرد یک گروه خاص‌اند و احتمالاً در تمام زبان‌ها نیز یافت می‌شوند. از دیدگاه جامعه‌شناختی، القاب اغلب برای تمایز اعضای درون یک گروه یا جامعه از اعضای بیرون آن بررسی می‌شوند.

#### ۳-۱. لقب و هویت

هویت یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان عصر حاضر را به خود جلب کرده است. بی‌شک هویت فرد تا حد بسیاری از تصور افراد پیرامون او شکل می‌گیرد. تصویری که فرد از خود دارد، بازتاب نگرشی است که دیگران

نسبت به او دارند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). از میان عوامل مختلفی که جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان به‌عنوان عاملی مهم در ساخت هویت به آن‌ها اشاره کرده‌اند و شامل خانواده و دوستان، رسانه‌های ارتباطی، شغل، دین و دیگر عوامل است، فقط نقش و تأثیر یک عامل، هم به‌عنوان نماد هویت و هم سازنده آن، روشن و جدی نیست و آن مفهوم لقب است. لقب آن‌گاه که درباره شخصی به کار می‌رود، دارای وجهه اجتماعی است و به نمادی برای معرفی هویت شخص بدل می‌شود. فرد ملقب به لقبی خاص، در اغلب موارد، مایل نیست خطاب واقع شود؛ چرا که بیشتر القاب دارای بار عاطفی تحقیرآمیزی برای دارندگان آن به شمار می‌روند و عامل تهدیدکننده هویت‌اند. از این رو، لقب نمونه بارز از تأثیر جامعه بر هویت فرد و نماد تعلقات جمعی و محلی هویت است و نقش فرد ملقب در پذیرش یا رد آن ناچیز است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

از جمله پژوهشگران برجسته‌ای که در زمینه برچسب‌زنی و لقب‌دهی مطالعه کرده‌اند، می‌توان به گافمن<sup>۲۰</sup> اشاره کرد که نظریه «داغ‌ننگ»<sup>۲۱</sup> را در همین باره ارائه داده است. از نظر گافمن (۱۳۸۶: ۳۲)، داغ‌ننگ صفت یا ویژگی‌ای است که به‌کاربردن آن برای فرد مورد خطاب شدیداً بدنام‌کننده و ویرانگر است.

القاب نقش‌هایی از قبیل نشان اتحاد و دوستی یا نشان پرخاشگری، طعنه‌زنی و نقد را منتقل می‌کنند؛ همچنین، باید به نقش آن در ایجاد شوخی و بازی، تعلق یا عدم تعلق به عضویت در گروهی خاص نیز اشاره کرد. در زمینه کاربرد لقب باید به تفاوت جنسیت در عمل لقب‌گذاری اشاره کرد و گفت که مردان و زنان در بافت‌های اجتماعی مختلفی نقش‌پذیری می‌کنند و واضح است که در لقب‌گذاری هم که عملی اجتماعی است به شیوه متمایزی عمل می‌کنند. در این میان، بارز است که مردان به‌لحاظ اجتماعی از استهزا و به‌سخره گرفته‌شدن نمی‌هراسند و در نهایت، مردان بیشتر از زنان لقب‌سازی می‌کنند.

مؤلفه‌های اصلی ساخت معنایی القاب یا ارجاعی<sup>۲۲</sup> هستند یا عاطفی.<sup>۲۳</sup> مؤلفه ارجاعی به ویژگی‌ها و یا اعمال برجسته شخص اشاره می‌کند و شامل ارزیابی‌های فردی و اجتماعی است. مؤلفه عاطفی بیانگر نگرش گوینده به شخص لقب‌داده‌شده، با توجه به مشخصاتی از قبیل میزان آشنایی میان گوینده و شخص لقب‌داده‌شده، پایگاه شخص لقب‌داده‌شده و گوینده (فراتر، فروتر یا مساوی) و نوع نگرش گوینده به شخص لقب‌داده‌شده است (Giladkova, 2002: 4).

### ۲-۳. بررسی زبان‌شناختی القاب

در پژوهش حاضر، نگارندگان با اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی کلان می‌کوشند تا القاب را بررسی کنند. به گفته لاینز (36: 1981) زبان‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای تخصصی و مادر، «دانش عمومی انسان دربارهٔ زبان آدمی» را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌کند. محدودترین حیطهٔ موضوع زبان، حیطه‌ای است که مشخص‌کنندهٔ سازمان و روابط درونی زبان است و زبان‌شناسی خرد نامیده می‌شود و شاخه‌هایی چون آواشناسی و واج‌شناسی و صرف‌ونحو در این محدوده جای می‌گیرند. گسترده‌ترین حیطهٔ زبان نیز حیطه‌ای است که زبان با زمینه‌های بیرون از نظام زبانی مرتبط می‌شود. نگارندگان حین بررسی زبان‌شناختی با اتخاذ رویکرد کلان، کاربرد القاب را در زمینهٔ عواملی بیرون از نظام زبان، یعنی متغیر اجتماعی جنسیت و نیز هویت و گفتمان، اندازه می‌گیرند.

بیشتر رده‌شناسی‌های معنایی، که از القاب به دست‌داده‌اند، دربارهٔ مشخصه‌هایی با یکدیگر متفق‌القول‌اند، مشخصه‌هایی همچون اشاره به خصوصیات ظاهری-رفتاری افراد، دستکاری نام و نام خانوادگی افراد، اشاره به نام‌های گیاهان و حیوانات و شخصیت‌های کارتون‌ی و تلویزیونی، بازی با کلمات و آواها.

### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است و نگارندگان در بررسی داده‌ها و تحلیل‌ها نیز از روش تحلیل محتوا بهره برده‌اند؛ در مرحلهٔ اول پس از طرح سئوالات پژوهش و فرضیات مربوط به آن، چکلیست متناسب با اهداف پژوهش تدوین کردند. سپس داده‌ها را با حضور در مدارس گردآوردند. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ۱۲۰ دانش‌آموز (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) دبیرستان‌های شهرستان مشکین‌شهر بودند. در این میان، ۳۴۷ لقب به دست آمد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از آنجایی که تحقیق حاضر مربوط به شهری ترک‌زبان بود که دانش‌آموزان دوزبانه داشت، القاب گردآوری شده به چهار دستهٔ ترکی، فارسی، عربی و سایر تقسیم شدند؛ همچنین، باتوجه به هویت نهفته در لقب‌گذاری، القاب به محلی، ملی و فراملی تقسیم شدند. در نهایت، به کمک ابزارهای آمار توصیفی، داده‌ها تفسیر شدند.



جدول ۱. کاربرد لقب به تفکیک جنسیت

Table1. Nickname frequency among boy and girl students

| جنسیت | تعداد القاب | درصد |
|-------|-------------|------|
| پسر   | ۱۸۱         | ۵۲   |
| دختر  | ۱۶۶         | ۴۸   |
| کل    | ۳۴۷         | ۱۰۰  |

### ۵. یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش، در آغاز، از نظر زبان به کاررفته در تولید القاب به چهار دسته ترکی، فارسی، عربی و سایر تقسیم شدند. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، القابی که دانش‌آموزان ساخته‌اند، برحسب جنسیت آن‌ها تفاوت معناداری دارد. به‌گونه‌ای که در القاب دانش‌آموزان پسر، القاب زبان ترکی (مانند: اکوز= گاو میش؛ کوپیک= حباب؛ بایرام بالغی= ماهی عید؛ یومورو= گرد) بسیار گسترده به کاررفته است که در دانش‌آموزان دختر، برتری با زبان فارسی در لقب‌دهی است. از دیگر سو نیز باید به میزان کاربرد دیگرالقاب (مانند لقب‌های دسته‌سایر: سیندرلا؛ اسکار؛ بلک؛ سایلنت؛ و نیز لقب عربی ابن ولی) اشاره کرد که در هر دو گروه برتری با القاب سایر و درنهایت عربی است.

جدول ۲. زبان لقب‌دهی

Table2. Language of nicknaming

| زبان  | فراوانی-پسر | درصد  | فراوانی-دختر | درصد  |
|-------|-------------|-------|--------------|-------|
| ترکی  | ۸۵          | ۴۶٫۶۹ | ۵۵           | ۳۳٫۱۳ |
| فارسی | ۶۹          | ۲۸٫۱۲ | ۸۷           | ۵۲٫۴۰ |
| سایر  | ۲۴          | ۱۳٫۲۵ | ۱۸           | ۱۰٫۸۴ |
| عربی  | ۳           | ۱٫۶۵  | ۷            | ۴٫۲۱  |

لقاب از لحاظ اشاره به هویت نیز بررسی شدند. هویت مورد اشاره القاب این پژوهش به سه دسته هویت محلی (مانند: خوی دنه سی = تخمه خوی؛ یعقوب کرگشه = یعقوب با اسم روستای محلی کرگشه)، ملی (مانند: کریم سوسکه، زیزی قلی) و فراملی (مانند: مسی، خانم مارپل) تقسیم شدند. با توجه به داده‌های جدول ۳ مشخص است که در القاب تولیدشده دانش‌آموزان پسر، درصد بالایی القاب به هویت محلی تعلق دارد و القاب تولیدی دانش‌آموزان دختر به هویت ملی مربوط است

جدول ۳. هویت مورد اشاره القاب

Table3. Identity of nicknames

| هویت   | فراوانی-پسر | درصد  | فراوانی-دختر | درصد  |
|--------|-------------|-------|--------------|-------|
| محلی   | ۷۷          | ۴۲,۵۴ | ۷۰           | ۴۲,۱۶ |
| ملی    | ۶۳          | ۳۴,۸۰ | ۷۷           | ۴۶,۳۸ |
| فراملی | ۴۱          | ۲۲,۶۵ | ۱۹           | ۱۱,۴۴ |

لقاب از دیدگاه دلایل و رای لقب‌گذاری نیز بررسی شدند و دلایل لقب‌گذاری تحقیر (ساری بزو = گوساله زرد، لپه تایی = گونی لپه)، تحبیب (جیران = آهو، خدای اندام)، طنز (احمد نیکوکار، داعشی) و بی‌دلیل (ددش، بی‌غم) بودند. آنچنان‌که در جدول ۴ نیز مشهود است، دلایل لقب‌گذاری در هر دو جنس عمدتاً دلیل تحقیر بوده است.

جدول ۴. دلایل لقب‌گذاری

Table4. Reasons of nicknaming

| دلایل   | فراوانی-پسر | درصد  | فراوانی-دختر | درصد  |
|---------|-------------|-------|--------------|-------|
| تحقیر   | ۱۲۷         | ۷۰,۱۶ | ۸۹           | ۵۳,۶۱ |
| تحبیب   | ۹           | ۴,۹۷  | ۲۲           | ۱۳,۲۵ |
| طنز     | ۳۴          | ۱۸,۷۸ | ۳۵           | ۲۱,۰۸ |
| بی‌دلیل | ۱۱          | ۶,۰۷  | ۲۰           | ۱۲,۰۴ |

در دسته‌بندی دیگری، القاب مورد مطالعه برحسب گفتمان دال بر آن‌ها بررسی شدند. براین‌اساس، القاب دانش‌آموزان به دسته‌های چهارگانه گفتمان روزمره (سوسوز قلمه= قلمه تشنه، شهرداری مأموری= مأمور شهرداری)، رسانه‌ای (جومونگ، پلنگ صورتی)، مذهبی (خدام، کربلا سوزی= حرف کربلا) و تابو (بیج میلاد= میلاد زنازاده، توروم باشی عرفان= عرفان اسپرم) تقسیم شدند. همان‌گونه که از داده‌های جدول ۵ برمی‌آید، در هر دو جنس، اشاره بسیار القاب به گفتمان روزمره و رسانه‌ای دیده می‌شود. در دو گفتمان دیگر، در گروه پسران، پیشتازی گفتمان تابو و سپس مذهبی به چشم می‌خورد و درگروه دختران، عکس این ترتیب دیده می‌شود.

جدول ۵. گفتمان مورد اشاره القاب

Table 5. Discourse of nicknames

| گفتمان   | فراوانی-پسر | درصد  | فراوانی-دختر | درصد  |
|----------|-------------|-------|--------------|-------|
| روزمره   | ۱۳۹         | ۷۶،۷۹ | ۱۳۰          | ۷۸،۴۱ |
| رسانه‌ای | ۲۴          | ۱۳،۲۵ | ۲۹           | ۱۷،۴۶ |
| تابو     | ۱۶          | ۸،۸۳  | ۲            | ۱،۲۰  |
| مذهبی    | ۲           | ۱،۱۰  | ۵            | ۳،۰۱  |

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، القاب دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مشکین‌شهر تحلیل شد. نگارندگان در این مقاله در پی پاسخ به پرسش‌هایی بودند و در همین زمینه نیز فرضیاتی را طرح کردند؛ از بررسی القاب به این نتایج دست یافتند که لقب‌دهی پدیده‌ای جهانی<sup>۲۴</sup> است و عمدتاً در گروه‌های دوستانه و صمیمی نزدیک‌به‌هم به کار می‌رود؛ اما در موقعیت‌های حاد، ممکن است منجر به تخریب و تحقیر افراد گردد؛ باوجوداین، تمام لقب‌ها مخرب نیستند و می‌توانند گاه نشانی از صمیمیت و عضویت در گروه نیز به شمار آیند (Liao, 2009: 71). ملاحظه شد که گروه پسران در زمینه لقب‌سازی در مقایسه با گروه دختران فعال‌تر بوده و

لقاب زیادی را تولید کرده‌اند. براساس آمارهای به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، ۵۲ درصد القاب متعلق به دانش‌آموزان پسر و ۴۸ درصد القاب متعلق به دانش‌آموزان دختر است. این آمار را مطالب فیلیپس (1990)، بوس (1983)، لیاو (2006) و کورانچی (2012) نیز تأیید می‌کنند؛ آن‌ها نیز به تفاوت و تأثیر جنسیت در لقب‌گذاری اشاره کرده و معتقدند که کاربرد لقب میان مردان گسترده‌تر از گروه زنان است. فیلیپس (1990) معتقد است مردان در مقایسه با زنان از تمسخر اجتماعی نمی‌هراسند و این خود عامل بازدارنده‌ای در لقب‌گذاری میان زنان است. پس می‌توان به این نتیجه دست یافت که میان کاربرد لقب و جنسیت دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود دارد.

در بخشی از پژوهش، زبان مورد استفاده دانش‌آموزان در لقب‌گذاری‌ها بررسی شد و بنابر آمارها روشن شد که در گروه پسران، لقب‌گذاری فراوان‌تر است و آن‌ها (به‌ترتیب) زبان‌های ترکی، فارسی، سایر و عربی را انتخاب می‌کنند؛ اما گروه دختران (به‌ترتیب) زبان‌های فارسی، ترکی، سایر و عربی را انتخاب می‌کنند. نکته جالب‌توجه در این آمارها انتخاب وسیع گروه پسران از واژه‌های زبان ترکی و گروه دختران از زبان فارسی است. در این زمینه، می‌توان به بحث نگرش زبانی<sup>۲۵</sup> نیز گریزی زد. به اعتقاد فسولد<sup>۲۶</sup> (1986) مسئله انتخاب زبان تحت تأثیر نگرش افراد است. درواقع، نگرش افراد، که خود تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل برون‌زبانی شکل می‌گیرد، بر انتخاب زبان و کاربرد آن اثر دارد. در بحث لقب‌گذاری نیز انتخاب و نگرش زبانی مثبت گروه پسران به زبان ترکی (زبان مادری و محلی) دیده می‌شود و درمقابل، انتخاب زبان فارسی (به‌عنوان زبان استاندارد دارای وجه اجتماعی) در گروه دختران به چشم می‌خورد. نکته دیگر نیز به بحث واژه‌های گروه سایر برمی‌گردد که به‌عنوان لقب به کار رفته‌اند. کاربرد القاب واژه‌های سایر ازسوی گروه پسران (درصد ۱۳،۲۵) دربرابر گروه دختران (درصد ۱۰،۸۴) گسترده‌تر است که نگرش زبانی مثبت این گروه را به واژه‌های زبان‌های گروه سایر (به‌عنوان واژه‌های وجه‌دار) نشان می‌دهد.

هویت پدیده‌ای چندوجهی است و در هر دوره یا مرحله‌ای اثر عوامل مختلف بر آن متغیر است. به‌عبارت‌دیگر، در یک نقطه وجه دینی و در نقطه‌ای دیگر وجه زبانی یا وجه سرزمینی عامل غالب است (خانیکی، ۱۳۸۳: ۹). میان لقب و هویت رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در این پژوهش، با بررسی القاب مشخص شد که آنان به سه نوع هویت محلی، ملی و فراملی اشاره

می‌کنند. زبان افراد گاه بازتاب‌دهنده هویت آن‌هاست. نگارندگان با تأکید بر متغیر جنسیت در کاربرد القاب، به این نتیجه رسیدند که بخش عمده‌ای از القاب دانش‌آموزان پسر به ترتیب به هویت محلی، ملی و فراملی و القاب دانش‌آموزان دختر به هویت ملی، محلی و فراملی تعلق دارد که نشان از همبستگی زیاد گروه دختران با هویت ملی و درمقابل، همبستگی زیاد گروه پسران با هویت محلی است. هویت محلی ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و وابستگی‌های فرد نسبت به عناصر و ارزش‌های محلی و قومی در نظر گرفته می‌شود که باعث وحدت و انسجام محلی می‌گردد (حبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۶). پس چنین می‌نماید که گروه پسران در صدد دستیابی هرچه بیشتر به هویت محلی و درنهایت، وحدت محلی هستند؛ حال آنکه در گروه دختران، تعلق به مؤلفه‌های هویت ملی مشاهده می‌شود.

القاب آن دسته از پدیده‌های اجتماعی زبانی هستند که در پس انتخاب و اعطای آن به افراد دلایلی نهفته است. نگارندگان، با بررسی القاب پیکره، به دلایلی مانند تحقیر، تحیب، ایجاد طنز و بی‌دلیل دست یافتند. در همین زمینه دیده شد که عمده القاب تولیدی دختران به دلیل تحقیر و نیز پسران در اشاره به ویژگی‌های جسمانی ظاهری است. این دیدگاه در تعارض با دیدگاه کروزیو و دیموک (1999) است که معتقدند دختران بیش از پسران از القاب بد استفاده می‌کنند. در سایر پژوهش‌ها (Buss, 1983; احمدی، ۱۳۸۸) تنها به دسته‌بندی القاب از بُعد مثبت، منفی یا خنثی نگریسته شده است؛ حال آنکه نگارندگان این مقاله به بررسی جزئی و دسته‌بندی دلایل نیز پرداخته‌اند.

همچنین، القاب تولیدی دانش‌آموزان در اشاره به گفتمان خاصی وضع شده‌اند. در این تحقیق، نگارندگان القاب را در دسته‌های چهارگانه گفتمان روزمره، رسانه‌ای، تابو و مذهبی جای دادند. نکته این بخش اینکه قسمت عمده القاب پسران و دختران به گفتمان روزمره تعلق دارد و در مرحله بعد رسانه‌ای است. این موضوع نشان از آن دارد که القاب اکثراً نتیجه تعامل فرد با محیط روزمره و بعد رسانه‌های فراگیر (تلویزیون) هستند. در این میان، باید به گفتمان تابویی القاب نیز اشاره کرد که، در مقایسه با گروه دختران (۱،۲۰)، در گروه پسران (۸،۸۳) رواج بالایی داشت. تابو را می‌توان به‌عنوان موضوعی مربوط به رفتار با پدیده حرام یا غیراخلاقی مشخص کرد (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۳۸). سیپرسن (1964: 239) هم معتقد است که تفکیک جنسیتی در برخی موارد ممکن است ناشی از تابو باشد.

نگارندگان با طرح متغیر جنسیت کوشیدند، القاب را از جوانب گوناگون بررسی کنند و همان‌گونه که نتایج نشان داد گروه دختران در مقایسه با گروه پسران تفاوت‌های آشکاری داشتند. آن‌طور که ترادگیل (۱۳۷۶:۱۱۶) نیز بیان کرده است، علت پیدایش تفاوت‌های جنسی در زبان آن است که زبان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی رابطه تنگاتنگی با طرز تلقی‌های اجتماعی دارد. مردان و زنان از آن‌روی از نظر اجتماعی تفاوت دارند که جامعه نقش‌های اجتماعی متفاوتی را برای آنان تعیین می‌کند و الگوهای رفتاری متفاوتی را از آنان انتظار دارد. او اظهار می‌کند که گفتار زنان از نظر اجتماعی بهتر از گفتار مردان است و این بدین‌سبب است که رفتار اجتماعی درست‌تری از زنان انتظار می‌رود. در بررسی القاب نیز نشان داده شد که در گروه دختران، در مقایسه با گروه پسران، زبان لقب‌گذاری به زبان رسمی تعلق دارد و وجهه اجتماعی (تعلق به زبان فارسی، هویت ملی، بار تابویی پایین و ...) دارد که مؤید مطلب یادشده است.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. Millet
2. Basil Bernstein
3. William Labov
4. Charls Fergosen
5. John, Gumperz
6. Peter Trudgil
7. onomastics

۸. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک. Lakof, 1975; De Francisco, 1991; West & Zimmerman, 1977; پاک‌نهاد جبروتی ۱۳۸۱.

9. Morgan
10. Buss
11. Wart
12. speed
13. Philips
14. Liao
15. Crozier
16. Dimmok
17. Kuranchi
18. slang
19. nicknaming

20. Guffman
21. stigma
22. referential
23. expressive
24. universal
25. attitude
26. Fasold

## ۸. منابع

- احمدی، محمدعزیز (۱۳۸۸). «لقب نمادی از هویت یا برچسبی از حقارت». *انسان‌شناسی*. ش ۱۱. صص ۹-۲۴.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فرداستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.
- پورعبدالله، محمدعلی (۱۳۷۴). «زبان عامیانه و ترجمه آن»، مترجم، ش ۲۰. صص ۵۶-۶۳.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: نشر آگه.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۳). «هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران». *هویت در ایران* (صص ۳-۲۱). به‌کوشش علی‌اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، اکرم؛ اسکندر فتحی‌آذر و بهمن محمدبخش (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)». *تحقیقات فرهنگی ایران*. ۳. ش ۲ (پیاپی ۱۰). صص ۱۰۱-۱۲۱.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶). *داغ ننگ (چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده)*. ترجمه مسعود کیانپور. تهران: نشر مرکز.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

**References:**

- Ahmadi, M. (2009). "Nickname as a symbol of identity or label of humiliation". *Journal of Anthropology*. No.11.Pp. 9-24.[In Persian].
- Anderson, C. P. (1979). *The Name Game*. New York: Jove.
- Anderson, J. (2007). *The Grammar of Names*. New York: Oxford University Press.
- Bechar-Israeli, H. (1995). "From Bonehead to Clonehead: Nicknames, Play, and Identity on Internet Relay Chat". *Journal of Computer Mediated Communication*. Vol. 1 (2). Retrieved October 1, 2017 from World Wide Web: <https://www.mediansprache.net/archiv/pubs/2035.html>
- Burdová, V. (2009). "Student Slang". Diploma Thesis. Masaryk University in Borno.
- Busse, T. (1983). "Nickname usage in an american high school". *Names*. Vol. 31. Pp. 300-306.
- Crozier, W. R. & P. S. Dimmok (1999), "Name-calling and nicknames in a sample of primary school children". *British Journal of Educational Psychology*. Vol. 69(4). Pp. 505-516.
- Crystal, D. (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Blackwell Publishers.
- De Francisco, V. (1991). "The Sounds of silence: how men silence women in marital relations". *Discourse and Society*. Vol. 2(4). Pp. 413-23.
- De Klerk, V. & B. Bosch (1996). "Naming practices in the eastern Cape province of South Africa". *Names* (forthcoming).
- ----- (1997). "Nicknames of English adolescents in South Africa". *Names*. Vol. 45(2). Pp. 101-118.
- Dekhoda, A. (1966). *Dekhoda's Dictionary*. Tehran: Tehran University. [In Persian].
- Fasold, R. (1986). *The Sociolinguistics of Society*. Cambridge: Basil Blackwell.



- Fathi Azar, E. (2010). "Globalization and local and global identities". *Cultural Studies*. Vol. 3, No. 2. Pp. 101-121 (In Persian)
- Glladkova, A. (2002). "The semantics of nicknames of the american presidents". *Proceedings of the 2002 Conference of the Australian Linguistic Society*. Vol. 2. pp. 1-11.
- Golmohammadi, A. (2002). *Globalization, Culture, Identity*. Tehran: Ney.[In Persian].
- Guffman, E. (2007). *Stigma, Notes on the Management of Spoiled Identity*. Translated by :Masoud Kianpour .Tehran: Markaz. [In Persian].
- Hornby, A. S. (1992). *Oxford Advanced Learners Dictionary*.Oxford: University Press.
- Jespersen, O. (1964). *Mankind, Nation, and the Individual*. London: George Allen & Unwin
- Khaniki, H. (2004). "Identity and identity related discourses". In *Identity in Iran*. Tehran: Humanities and sociological Institute of Jahad Daneshgahi.Pp. 3-21. [In Persian].
- Kuranchie, A. (2012). "Students' nicknames: their sources and effects on learning". *Journal of Education and Practice*. Vol. 3. No. 14. Pp. 126-132.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Woman's Place*. NewYork: Harper and Row.
- Leslie, P. L. & J. K. Skipper (1990), "Towards a Theory of Nicknames: A Case for Socio-Onomastics". *Names*.Vol. 34. No. 4. Pp. 273-282.
- Liao, Ch. Ch. (2006). "Linguistic analysis of nicknames of junior high school students". *Journal of Language and Linguistics*. Vol. 5(1). Pp. 68-86.
- Loyns, J. (1981). *Language and Linguistics*. Cambridge University Press.
- Modarresi, Y. (1989). *An Introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Morgan, J.; Ch. O'Neill & R. Harrè (1979), *Nicknames: Their Origins And Social*

*Consequences*. London: Routledge and Kegan Paul.

- Phillips, B. S. (1990). "Nicknames and Sex Role Stereotypes". *Sex Roles* Vol. 23(5). Pp. 281-289.
- Pourabdollah, M. (1995) . "Slang and it's translation". *Journal of Translator*. No.20.Pp. 56-63.[In Persian].
- Reid, E. M. (1991). *Electropolis: Communication and Community On Internet Relay Chat*. Honours Dissertation. University of Melbourne.
- Trudgil, P. (1997). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Translated by: Mohammad Tabatabaei .Tehran:Agah. [In Persian].
- West, C. & D. Zimmerman (1977), "Woman's Place in Everyday Talk: Reflections on Parent-Child Interaction. *Social Problems*. Vol. 24. Pp. 521-529.